



اقامه حق و دفع باطل؛ فلسفه حکومت و حکمرانی علوی

آیت‌الله العظمی مظاهری در پیامی به اختتامیه کنگره بین‌المللی «نهج‌البلاغه و حکمرانی علوی» با بیان اینکه فلسفه حکومت و حکمرانی علوی در دو اصل اصیل «اقامه حق» و «دفع باطل» خلاصه می‌شود، گفت: کتاب شریف نهج‌البلاغه سند جامع و جاودانی است که منشور حکمرانی علوی به‌شمار می‌آید.

آیت‌الله العظمی مظاهری در پیامی به اختتامیه کنگره بین‌المللی «نهج‌البلاغه و حکمرانی علوی» با بیان اینکه فلسفه حکومت و حکمرانی علوی در دو اصل اصیل «اقامه حق» و «دفع باطل» خلاصه می‌شود، گفت: کتاب شریف نهج‌البلاغه سند جامع و جاودانی است که منشور حکمرانی علوی به‌شمار می‌آید.

آیت‌الله مظاهری به گزارش‌های اینکنا از اصفهان، آیت‌الله العظمی حسین مظاهری، زعيم حوزه علمیه اصفهان به اختتامیه کنگره بین‌المللی «نهج‌البلاغه و حکمرانی علوی» که امروز، ۲۱ آبان ماه در سالن همایش‌های بین‌المللی اصفهان در حال برگزاری است، پیامی صادر کرد. متن این پیام به شرح زیر است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال اميرالمؤمنين و امام المتقين عليه افضل صلوات المصلين: «وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِمْرِيكُمْ إِلَّا أَنْ أُقِيمَ حَقًّا أَوْ أُدْفَعَ بَاطِلًا.»

فلسفه حکومت و حکمرانی علوی در دو اصل اصیل «اقامه حق» و «دفع باطل» خلاصه می‌شود و در سایه این آرمان متعالی است که سایر وظایف و رسالت‌های حکومت، سامان می‌پذیرد. حق و باطل در نگاه امیرالمؤمنین(ع) دو مسیر متفاوت و متضاد است که یکی راه روشن دستیابی به سعادت جاودان است و دیگری راه تاریک منتهی به شقاوت دامن‌گیر: «قَالَ اللَّهُ قَدْ أَوْصَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَأَنَارَ طُرُقِهِ، فَشِقْوَةٌ لِرَايَةِ أَوْ سَعَادَةٌ دَائِمَةٌ.»

آن زمان که شخص شخیص آن حضرت نیز با اصرار و حضور مردم، حکومت و امارت را پذیرفت، به تصریح خود آن بزرگوار با هدف مقابله با مصداق بارز باطل، یعنی بیداد ستمگران و اقامه حق، یعنی ستاندن داد ستم‌دگان بود، وگرنه دنیا و امارت آن در چشم تیزبین مولا، از آب بینی بزغاله‌ای، بی ارزش تر و فرومایه تر می‌نمود: «أَمَّا وَالَّذِي قُلِقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ التَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحَاجَّةِ يَوْجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارَوْا عَلَى كِبَرِهِ ظَالِمٌ وَلَا سَعْبٌ مَظْلُومٌ لَأَقْبَتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا يَكَّاسَ أَوَّلِهَا وَ لَأَلْقَيْتُمْ ذُنُوبَكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَز.»

آن حضرت در این زمینه، خداوند متعال را به شهادت می‌گیرد که آنچه در حکومت خود انجام داده، نه به سبب رغبت و رقابت و مسابقه در قدرت و نه به منظور به چنگ آوردن متاع دنیای دون، بلکه با هدف متعالی بازگرداندن آثار تغییر یافته دین و اصلاح بلاد و امنیت و آسودگی مظلومان از عباد و اجرای حدود تعطیل شده الهی و خلاصه، احیای حق و عدالت و امانت و ابطال باطل بوده است: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِمَّا مُنَاقَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْخُطَامِ، وَ لَكِنْ لِيَرَدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ تَطَهَّرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، قِيَامَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ.»

حکومت و حکمرانی علوی که در دورانی کوتاه و در عین حال، بسیار پرفراز و نشیب به منصه ظهور درآمد، نه فقط یک نمونه شاخص تاریخی از اقامه حق و دفع باطل و طرازی روشن از عدالت گستر، تدبیرگرایی و محوریت اخلاق و معنویت در حکومت داری است، بلکه قطعاً سرمشقی راهگشا برای همه سیاستمداران و کارگزاران حکومتی به‌شمار می‌رود و همواره الهام بخش مصلحان و حکمرانانی است که دل در گرو آرمان‌های انسانی و ارزش‌های اخلاقی دارند.

کتاب شریف نهج‌البلاغه که بی تردید در کنار قرآن کریم، راه روشن هدایت است، فقط نهج تقوا، معنویت و اخلاق نیست، بلکه نهج حکومت و سیاست نیز هست و سند جامع و جاودانی است که منشور حکمرانی علوی به‌شمار می‌آید.

در این کتاب مقدس، همه اصول و شاخص‌های یک حکمرانی شایسته و حکومت پایدار، به بهترین وجه بیان و علاوه بر تبیین ارزش‌ها و زیربنای سیاست و حکومت، روش‌ها و ابزارهای حکمرانی نیز تعیین شده و از این نظر، آشنایی همه کارگزاران حکومتی و فعالان در عرصه سیاست با این صحیفه انسان‌ساز و جامعه‌پرداز و التزام نظری و عملی به تعالیم و آموزه‌های حیات بخش آن، حقاً لازم و ضروری است.

در این کتاب پراچ و به ویژه در عهدنامه مالک اشتر که سند ماندگار حکومتی و منشور پرافتخار سیاسی اسلام است، هم اصول

مربوط به حقوق ملت و هم تکالیف حکومت و وظایف مسئولان حکومتی به روشنی تبیین و همه آنچه در این زمینه ها لازم است، به خوبی بیان می شود.

در این مجال کوتاه صرفاً به پنج نکته مهم در این خصوص اشاره می شود:

۱) امام امیرالمؤمنین(ع) مأموریت و مسئولیت اصلی حکومت و رئوس برنامه های آن را در چهار عرصه (اقتصاد، امنیت، اصلاح امور مردم و سازندگی کشور) معین فرموده و در جملات آغازین عهدنامه با روشن کردن این خط مشی کلی، در حقیقت، مسیر مطالبات مردم از حکومت را نیز مشخص می کند: «هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكُ بْنُ الْخَارِثِ الْأَشْتَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ حِينَ وَلَّاهُ مِصْرَ جَبَايَةِ خَرَايجِهَا وَ جِهَادَ عَدُوِّهَا وَ اسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ يَلَادِهَا.»

۲) عدالت یکی از ارکان مهم و برجسته حکمرانی علوی است، تا آنجا که باید گفت، نام و یاد مبارک علی(ع) با عدالت، عدالت خواهی و عدالت ورزی پیوندی ناگسستنی یافته است. علی(ع) صدای رسای عدالت در تاریخ انسانیت است و تمام زندگی و توش و توان خود را در راه عدالت مصروف داشته است.

از دیدگاه آن حضرت، کسانی می توانند به عدالت در حکومت و سیاست پایبند باشند و با تبعیض مبارزه کنند که ابتدا عدالت را در خود محقق کرده باشند و عدالت، لقلقه زبان آنان نباشد: «الزَّمَّ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ تَقْيُّ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ، يَصِفُ الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِهِ.»

۳) در حکمرانی علوی، کارگزاران حکومتی نه تنها از روحیه استکباری و قدرت مداری، برحذر داشته شده اند و آن حضرت سه پیامد منفی این روحیه مذموم را که «فساد روحانی»، «تزلزل ایمان» و «فراهم شدن زمینه دگرگونی حکومت» است، هشدار داده : «وَ لَا تَقُولَنَّ إِنِّي مُؤَمَّرٌ أَمْرٌ قَاطِعٌ، فَإِنَّ ذَلِكَ إِذْعَالٌ فِي الْقَلْبِ وَ مِنْهُكُمُ لِلدِّينِ وَ تَقَرُّبٌ مِنَ الْغَيْرِ»، بلکه دولت و حکومت علوی، حکمرانی رحمت، محبت و لطف بر مردم معرفی می شود: «وَ أَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا تَطِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ.»

۴) حکمرانی علوی، عرصه خدمت بی منت به ملت و بزرگ نشمردن خدمت و پرهیز از تخلف وعده است: «وَإِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رَعِيَّتِكَ يَاحْسَنًا، أَوْ التَّزَيَّدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ، أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَنُشِيعَ مَوْعِدَكَ يَخْلُفُكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ، وَالتَّزَيَّدَ يَذْهَبُ يَنُورُ الْحَقِّ، وَالْخُلْفَ يُوجِبُ الْمَقْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَالتَّاسُ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» و به ویژه مراعات طبقات ضعیف مردم و اقشار آسیب پذیر که باید همواره مورد توجه خاص باشند: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًّا.»

۵) حکومت و سیاست علوی مبتنی بر توجه و تمرکز بر اصول و مسائل اساسی و دارای اولویت قطعی و پرهیز از مسائل فرعی و حاشیه ای از یک سو و انتخاب و گزینش شایستگان و عقب راندن و کنار نهادن فرومایگان از سوی دیگر است و البته روشن است که این فقط شایستگان هستند که قدرت تمسک و تمرکز بر مسائل اساسی کشور را دارند و این فرومایگان هستند که همواره سرگرم حاشیه ها و فرو نهادن اولویت ها هستند. امیرمؤمنان(ع) با صراحت می فرماید: «يُسْتَدَلُّ عَلَى إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيعُ الْأَصُولِ وَ التَّمَسُّكُ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمُ الْأَرَادِلِ وَ تَأْخِيرُ الْأَفْصِلِ.»

باری، این ها نکات برجسته حکمرانی علوی است که سرمشق و الهام بخش همه کارگزاران حکومت دینی و سیاستمداران است. امید است خداوند سبحان توفیق درک این تعالیم حیات بخش و عمل و التزام به آن را به همه فعالان در عرصه حکومت و سیاست عنایت فرماید.

از همه متصدیان محترم برگزاری این کنگره صمیمانه قدردانی و تشکر می کنم و نیز مقدم میهمانان عزیز را گرامی می دارم و اظهار امیدواری می کنم که این کنگره به اهداف عالی خود نائل آید. ان شاءالله تعالی.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

حسین المظاهری

۲۰ جمادی الاولی ۱۴۴۷

۲۰ آبان ۱۴۰۴»